

قانون اساسی، آزادی اطلاعات و ارتباطات

# فیک نیوزها چگونه قانون را دور می‌زنند؟

آزادی ارتباطات یک حق شناخته شده است، با این حال با استفاده از اصول قانون اساسی می‌توان آزادی ارتباطات را مقید و مشروط کرد

آیا مخاطبان قادر به تفکیک پیام‌های درست از غلط هستند؟ چه کسی پاسخگوی ارائه مطالب باطل به مخاطبان در فضای مجازی است؟ آیا قانونی برای پاسخگویی افراد وجود دارد؟ آیا اطلاعات اشتراک‌گذاری شده توسط میلیون‌ها کاربر پیگیری قضایی می‌شود؟ اگر با استفاده از اطلاعات در گردش، کسی به خود یا بستگانش آسیبی برساند، چگونه می‌توان گفت فقط همان فرد مسئول است و دیگری که آن اطلاعات غلط را به او داده‌اند، مسئول نیستند؟ آیا تفاوتی میان آزادی اطلاعات با آزادی ارتباطات وجود دارد؟ قانون اساسی به کدامیک از مفاهیم پرداخته است؟ و بالاخره فیک‌نیوزها چگونه قانون را دور می‌زنند؟

آزادی اطلاعات چیست؟

در سال‌های نه چندان دور که فضای مجازی به گستردگی امروز نبود، مردم بیشتر اطلاعات خود را از تلویزیون، رادیو، روزنامه و در موارد تخصصی‌تر از کتاب و مقاله می‌گرفتند. در همه این نوع از وسایل ارتباطی یک ویژگی مشترک وجود دارد و آن هم جریان یک‌سویه اطلاعات از وسیله ارتباطی با شخص مخاطب است، به این معنا که مخاطب نمی‌تواند درباره موضوعی که می‌خواند یا می‌شنود یا می‌بیند، به شخص فرستنده پیام اظهار نظری کند. (بگذریم از استثنائاتی که سعی دارند به صورت مخاطب‌محور برخی برنامه‌ها با مطالب خود را پیش ببرند.

در حالت کلی به این شکل یک طرفه از گردش پیام، آزادی اطلاعات گفته می‌شود.

آزادی ارتباطات چیست؟

گسترش فضای مجازی و فرصت فراهم شده در این میدان برای مخاطبان امکان بیان هر مطلب و اظهار نظری را فراهم کرد، بدون آنکه مشخص باشد مخاطب اطلاعات کافی درباره موضوع دارد یا خیر! در مقابل بعضاً مخاطبان قادر به تفکیک اطلاعات باطل از درست و نادراند. حال سؤال این است اگر با استفاده از این اطلاعات آسیبی به دیگری برسد آیا افراد پاسخگو خواهند بود؟

به عنوان مثال شرایط پاندمی کرونا فرصت حضور مخاطبان در فضای مجازی را صدچندان کرد. این بیماری عاملی برای استفاده هر چه بیشتر از فضای مجازی شد و به گسترش آن دامن زد. در همین فضا و حین شیوع همین بیماری بارها شاهد ارائه هزاران نظر گوناگون و ضدونقیض بودیم که از سوی افراد مختلف اشتراک‌گذاری شد که حتی سنجش صحت آنها مشخص نبود. سؤال مشخص اینجا در رابطه به میزان آسیب رساندن اطلاعات در گردش محتوا به مخاطبان خواهد بود که اگر با استفاده از اطلاعات در گردش، کسی به خود یا بستگانش آسیبی برساند، چگونه می‌توان گفت فقط همان فرد مسئول است و دیگری که آن اطلاعات غلط را به او داده‌اند، مسئول نیستند؟! اساساً مسئولیتی متوجه فرد اول نشر دهنده یک مطلب خواهد بود یا خیر؟!

رویکرد جدید حاکی از گردش اطلاعات دوسویه (هر دو طرف امکان فرستنده بودن پیام را دارند) و بدون قید و شرط است که تأکید بر حقوق مراداتی دارد که از این نوع گردش پیام به آزادی ارتباطات تعبیر می‌شود.

تفاوت‌های آزادی اطلاعات با ارتباطات

در حالت آزادی اطلاعات که جریان یک‌سویه اطلاعات وجود دارد، رسانه‌ها تلاش می‌کنند اطلاعات صحیح را به اشتراک بگذارند چرا که هم به لحاظ مسئولیت حقوقی (هم مدنی و هم کیفری) و هم به لحاظ جذب مخاطب، اطلاعات صحیح ملاحظه اصلی بوده و اطلاعات غلط می‌تواند هر دو را مخدوش کند.

در واقع اطلاعات غلط به اعتبار یک رسانه ضرر می‌رساند اما در شرایطی که تأکید بر جریان دوسویه اطلاعات است (فضای مجازی) تضمین خاصی برای کاربران جهت به اشتراک‌گذاری اطلاعات صحیح وجود ندارد چرا که اولاً کاربران دغدغهای



در صورتی که سیاست پلت‌فرم‌ها رفتن به سمت آزادی ارتباطات مشروط باشد و کشورها استفاده‌کننده نیز این مهم را از آنها مطالبه کنند، دیگر شاهد فضای رهاشده و غبار آلود مجازی نخواهیم بود چرا که پلت‌فرم‌ها با ایجاد محدودیت در آزادی ارتباطات اولاً موظف خواهند بود با پالایش پیام‌ها، پیام‌های توهین‌آمیز را از بین ببرند و در ثانی تمامی فرستندگان پیام باید موظف باشند از قبل فرم‌هایی تحت عنوان میزان تحصیلات، تخصص‌ها و مهارت‌های واجد را تکمیل کنند تا گیرندگان پیام در مواقع لزوم به آن فرم‌ها رجوع کنند و از میزان علم و آگاهی فرستنده پیام مطلع شوند

شبهه رسانه‌ها برای جذب مخاطب ندارند و ثانیاً پیگیری قضایی اطلاعات اشتراک‌گذاری شده توسط میلیون‌ها کاربر غیرممکن است. این در حالی است که مشاهده می‌شود اکانت‌گذاری مخاطبان به صرف نظر دهی ختم نمی‌شود بلکه در بسیاری مواقع متأسفانه به توهین به یکدیگر و حتی اشخاص ثالث هم کشیده خواهد شد.

ادعاهای حقوقی طرفداران آزادی ارتباطات

طرفداران آزادی ارتباطات دلایل و توجیهات خاصی را از جمله حق بر خودراری از امکان آگاه شدن و آگاه کردن با شرکت در مباحثات ارباب‌مطلوب‌شان بیان می‌کنند. این عده و اعتقاد عمده دارند که یکی قائل به حقوق مراداتی برای مخاطبان است و دیگری استقلال فردی است. این عده معتقدند از همه نظرات باید حمایت بشود چرا که از نظر بیان‌کننده مطلب، آن مطلب خوشایند محسوب می‌شده، در حالی که ممکن است آن مطلب از نظر سایر افراد پايه محسوب شود.

این افراد معتقدند نباید صرفاً از نظرات مفید حمایت شود، زیرا به لحاظ روان‌شناسی ممانعت از بیان مطلب مورد علاقه شخص منتشرکننده، به رشد شخصیت او لطمه می‌زند. همچنین از طریق بیان نظر‌ها و به بحث گذاشتن آنها، افراد اعتقادات خودشان را شکل می‌دهند و به لحاظ فکری و روحی تعالی پیدا می‌کنند. در همین راستا حتی وسایل ارتباطی مثل رادیو و تلویزیون سعی می‌کنند از طریق معرفی راه‌های ارتباطی مثل تلفن یا ارسال پیامک از نظرات مخاطبان‌شان برای بهبود و بهتر کردن عملکرد خود استفاده کنند (هر چند این مطلب نوعی آزادی ارتباطات ضعیف شده محسوب می‌شود).

رسانه‌های ارتباطی، محدودیت یا آزادی

با همه این احوال در عملکرد رسانه‌های نوع دوم که از ابتدا مقید به آزادی ارتباطات محتاطی بودند، رفته‌رفته مشاهده می‌شود که در حال تلاش برای محدود کردن این نوع آزادی هستند به عنوان مثال این رسانه‌ها در اقدامات جدید قابلیت کامنت‌گذاری را محدود به نظر منتشرکننده پیام کردند و همین‌طور با تدوین یکسری مجموعه قواعد رفتاری (کدهای اخلاق حرفه‌ای) مثل: صداقت و درستی در اطلاع‌رسانی، رعایت حریم خصوصی، حمایت از کودکان و



نوجوانان ونفی خشونت پورن‌گرافی از رویکرد ابتدایی خودشان عدول کردند. دلیل این مطلب هم آن بود که استدلال‌هایی که برای تأیید رویکرد آزادی ارتباطات مطلق بیان می‌شد، بسیار سبسط و در ورطه پلورالیسم گرفتار بود اما رسانه‌های نوین در گذر زمان و کسب تجربه در میدان عمل، رفته‌رفته از آن رویکرد ابتدایی دست کشیدند چرا که به عنوان مثال نمی‌توان از نظرات توهین‌آمیز یا تشویش‌کننده آذنان عمومی به دلیل حمایت از رشد شخصیت افراد پشتیبانی کرد!

از سوی دیگر اگر چه در گذشته هدف و ارزش فقط قرار دادن اطلاعات بود و توجه چندانی به درستی یا غلطی اطلاعات نمی‌شد اما در شرایط فعلی همانطور که بیان شد، رسانه‌ها سعی می‌کنند با تدوین مجموعه قواعد رفتاری (کدهای اخلاق حرفه‌ای) به سمت انتشار اطلاعات صحیح بروند (آزادی بیان مشروط) اما همچنان با وضع مطلوب مورد انتظار فاصله بسیاری وجود دارد، البته این نکته را نیز باید متذکر شد که خوانان‌خواه اطلاعات جهت‌گیری خاص خودشان را نیز دارند، (سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و پزشکی)، حال ممکن است این جهت‌گیری با آنچه پلت‌فرم به صورت پیش‌فرض قبول دارد در تناقض قرار گیرد. در اینجا ممکن است پلت‌فرم آن مطلب را مصداق اطلاعات گمراه‌کننده یا حتی خطرناک تشخیص دهد (حتی اگر چنین نباشد) و آن را سانسور کند.

آزادی ارتباطات و اطلاعات در قانون اساسی

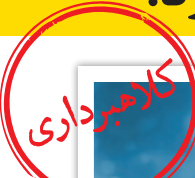
در زمان تدوین قانون اساسی مسئله‌ای به نام آزادی ارتباطات (به مفهومی که ما بیان کردیم) وجود نداشت. آنچه پیش‌فرض ذهنی قانونگذار بوده آزادی اطلاعات است، به همین منظور بند دوم از اصل سوم و همچنین اصل ۲۴ قانون اساسی مشخصاً به مقوله آزادی اطلاعات اشاره می‌کنند، با این حال به دلیل آنکه قانون اساسی برای نسل‌ها نوشته می‌شود و تفسیر موسع کردن آن محل اشکال نیست، می‌توان اصل ۲۰ قانون اساسی را در رابطه با حق آزادی ارتباطات بیان کرد. چنانکه این اصل می‌گوید: «هیچ کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد».

بدیهی است آزادی ارتباطات امروزه یک حق شناخته شده است، با این حال با استفاده از این اصل می‌توان آزادی ارتباطات را مقید و مشروط کرد. در پایان باید گفت در صورتی که سیاست پلت‌فرم‌ها رفتن به سمت آزادی ارتباطات مشروط باشد و کشورها استفاده‌کننده نیز این مهم را از آنها مطالبه کنند، دیگر شاهد فضای رهاشده و غبار آلود مجازی نخواهیم بود چرا که پلت‌فرم‌ها با ایجاد محدودیت در آزادی ارتباطات (از طریق کدهای اخلاق حرفه‌ای) اولاً موظف خواهند بود با پالایش پیام‌ها، پیام‌های توهین‌آمیز را از بین ببرند یا حتی اجازه ارسال چنین پیام‌هایی را از کاربران بگیرند و ثانیاً تمامی فرستندگان پیام باید موظف باشند از قبل فرم‌هایی تحت عنوان میزان تحصیلات، تخصص‌ها و مهارت‌های واجد را تکمیل کنند تا گیرندگان پیام در مواقع لزوم به آن فرم‌ها رجوع کنند و از میزان علم و آگاهی فرستنده پیام مطلع شوند. اگرچه چنین فرم‌هایی در حال حاضر نیز موجود است اما هیچ‌گونه الزامی از سوی پلت‌فرم‌ها برای تکمیل آنها وجود ندارد و به همین دلیل صفحات بدون هویت و به اصطلاح فیک به راحتی می‌توانند در این فضا رشد و فعالیت کنند.

دانشجوی حقوق

این داستان واقعی است

## عشق پیری گر بجنبد، دار و ندرت به فنا می‌رود!



و مغازه مینداختن بیرون!

پیرمرد: ای دل غافل، اوستا احمد چی کار کردی پس؟!

اوستا احمد: رفتم پیش به خانوم و کیلی از آستانیان، گفتیم که خانوم و کیل تو رو خدا کمکمون کن، همه دار و ندارمون رفته، چه کنیم؟! خانوم و کیل گفتن با این و کالتنامه تومی که شما دادی، در واقع خودتون به همسرتون اجازه فروش اموال تون رو به هر کس که

اوستا احمد: اولش مخالف بودن، ولی سازا انقدر زیرک و زبون‌با بود که اونارو هم راضی کرد. چقدر با دل و جون برای من وقت گذاشت! احمدقا آب بدم... احمدقا بیبا ایمیوه صحبت... احمدقا آل، احمدقا بل! یه احمدقا آ می‌گفت ۱۰ تا احمدقا از کنارش مزید بیرون. به بار گفت احمدقا برای ابراز عشقت، حاضری که خونه رو به نامم بزنی؟ گفتم شما تاج سری، این چیزا مراتب ارادت بنده به شمارو نمیتونه نشون بده خانوم، راستش من هر چی دارم از حاج خانوم دارم، بعد از من هم مال بچه‌هاست. حاج خانوم قول دادم هوشونو داشته باشم، البته که هستم حاجت محفوظه، حواسم به حق و حقوق شما هم هست. گفت آفرین منم عاشق همین وفاداربت شدم، من که می‌گم مرد فقط قدیمیش خوبه. چند وقت بعد اومد گفت احمدقا، خونه کارهای مالیاتی و آب و برق و کلی کار دیگه داره، مغازه هم هینتور، زمین سولوقون هم الفکی رو دستت مونده با کلی دردمین بچه‌ها هم که مشغول زندگیاشون، نمیرسن برن کارهارو انجام بدن، بیا یه و کالت تام کاری و فروش به من بده تا راحت کارهارو انجام بدم، من هم گفتم خدا خیرت بده. آره کار رو زمین مونده زیاد هستش، حتماً باید همین کار رو بکنم. و کالت تام رو دادم. بعد از و کالت افتاد دنیسال کارها، می‌فت و میومد، یک سالی گذشت... محبتش همچنان بود اما خیلی

+پیرمرد: سلام اوستا احمد، چند وقتیته پیدات نیست؟! با از ما بهترونی می‌گویی؟! دوستای قدیمو از یاد نبری با معرفت.

- اوستا احمد: ای بابا... فریاد که در رهگذر آدم خاکی/بس دانه فشانندن و بسی دام تنبندن...

+پیرمرد: چی شده اوستا احمد؟ نگرانم کردی، تعریف کن ببینم. بدخواه داری؟! مریم دخلشو میاریم، فقط لب تر کن.

- اوستا احمد: ماجرا از جایی شروع شد که با سازا آشنا شدم، دوست عروسوم می‌گم، توی به مهمونی که عروسم گرفته بود، باهم معاشرت کردیم. به عروسم گفته بود پدر شوهرت خیلی باحاله هر وقت رفتی خونه، نقد گرفت و اومد تا دل منم با خودش برده به منم بیگو، منم میام. چندباری با عروسم اومد خونمون، پاش که باز شد، بدون عروسم، خودش تنها میومد، هر بار هم به چیزی رو بیانه می‌کرد و میومد بالا، یک بار خسته‌ام، یک بار آب بخورم، یک بار خرید کردم براتون... بعد از یه مدت شروع کرد به قدردان کردن. بعد از یه مدت شروع کرد به شروع زندگی مشترک... پیرمرد: اوستا بچه‌ها ت مخالفت نکردن؟!

دانشتنی

در تعیین میزان دیه در ماه‌های حرام، تاریخ صدمه در نظر گرفته می‌شود؟

خیر. برای اینکه نرخ دیه افزایش پیدا کند هم صدمه و هم فوت باید در یکی از چهار م‌س‌ه حرام باشد؛ (ذی‌القعده، ذی‌الحجه، محرم، رجب)، پس اگر کسی در ماه رجب به واسطه تصادف رانندگی مصدوم شد و در ماه شعبان فوت کرد، افزایش دیه شامل او نمی‌شود.

آیا می‌شود نام پدر و مادر را در شناسنامه تغییر داد؟

خیر. شناسنامه یک سند هویتی است که تغییر یا حذف مندرجات آن در غیر از شرایط و مواردی که قانون اجازه آن را داده است، امکان‌پذیر نیست. تنها راه تغییر نام پدر و مادر در شناسنامه این است که ثابت شود فرزند متعلق به پدر و مادر شناسنامه‌ای نیست. این امر هم صرفاً با حکم دادگاه است که در صورت صدور حکم قطعی، شناسنامه قبلی باطل و شناسنامه جدید صادر می‌شود. لازم به ذکر است اگر تغییر نام پدر و مادر در شناسنامه به علت اتخاذ نام جدید توسط آنان باشد، نام جدید در شناسنامه درج نخواهد شد و شخص می‌تواند در قسمت توضیحات نام جدید را وارد کند. همچنین باید اشاره داشت که حذف نام پدر و مادر از شناسنامه و کارت ملی نیز ممکن نیست اما اشخاص پس از سن بلوغ می‌توانند درخواست تغییر نام خانوادگی‌شان را مطرح کنند. عکس این موضوع نیز صادق است، به این معنا که هیچ یک از پدر و مادر نمی‌توانند نام فرزندشان را از شناسنامه خود حذف کنند چرا که رابطه فرزندی، رابط‌های نیست که کسی بتواند آن را انکار کند و حتی در صورت رضایت فرزند و همچنین رضایت پدر و مادر امکان حذف نام فرزند از شناسنامه والدین وجود ندارد.

کارفرما در صورت وقوع حادثه شغلی در کارگاه وظیفه قانونی مشخصی دارد؟

بله. به استناد ماده ۶۵ قانون تأمین اجتماعی در صورت وقوع حادثه ناشی از کار، کارفرما مکلف است اقدامات اولیه لازم را برای جلوگیری از تشدید وضع حادثه‌دیده به عمل آورد. همچنین به استناد تبصره ماده ۹۵ قانون کار، کارفرما مسئولان واحدهای موضوع ماده ۸۵ قانون کار موظفند تمامی حوادث ناشی از کار را در دفتر ویژه‌ای که فرم آن از طریق وزارت کار و امور اجتماعی اعلام می‌شود، ثبت و مراتب را سریعاً به صورت کتبی به اطلاع اداره کار و امور اجتماعی محل برسانند. همچنین به استناد ماده ۹۰ آیین‌نامه حفاظتی کارگاه‌های ساختمانی و ماده ۶۵ قانون تأمین اجتماعی، کارفرما باید وقوع هر گونه حادثه ناشی از کار را ظرف مدت سه روز اداری به شعبه صندوق تأمین اجتماعی محل اطلاع دهد و نسبت به تکمیل و ارائه فرم ویژه حادثه اقدام کند.

آیا اجباری برای ازدواج در دوران نامزدی وجود دارد؟

خیر. از منظر عوام، نامزدی صرفاً تعهدی اخلاقی برای تحقق ازدواج است، در حالی که طرفین در این دوران مسئولیتی مدنی دارند که معمولاً در صورت به هم خوردن تعهد نامزدی باید ایفا شود. منطبق بر قانون مدنی ماده ۱۰۳۵ وعده ازدواج مسئولیتی برای طرفین ایجاد نمی‌کند، بنابراین هر یک از طرفین قبل از انعقاد عقد ازدواج، می‌توانند منصرف شوند. گاهی مشاهده شده است ضمن نامزدی، وجه التزامی برای تخلّف از آن شرط می‌شود که این شرط از نگاه حقوقی، نافذ نیست چرا که وجه التزام در ماهیت خود فقط وسیله‌ای برای اجبار طرفین به ایفای تعهد است. این اجبار در عقد نکاح منع شده و طرفین می‌توانند حتی بدون عذری موجه منصرف شوند. طبق ماده ۱۰۲۵ قانون مدنی با این اوصاف هیچ دستور قضایی برای اجبار نامزد به ازدواج صادر نمی‌شود.

اگر کارگری در کارگاهی دچار کاهش توانایی به علل حادثه‌ای بیماری شده باشد و طبق نظر به کمیسیون پزشکی باطل باشد، کارسبک از جاع شود ولی در کارگاه کارسبک وجود نداشته باشد، در این خصوص تکلیف قانونی وجود دارد؟

بله. با استناد به ماده ۳۲ قانون کار اگر خاتمه قرارداد کار در نتیجه کاهش توانایی‌های جسمی و فکری ناشی از کار کارگر باشد (بنا به تشخیص کمیسیون پزشکی سازمان بهداشت و درمان منطبق با معرفی شورای اسلامی کار یا نمایندگان قانونی کارگر) کارفرما مکلف است به نسبت هر سال سابقه خدمت، معادل دو ماه آخرین حقوق به وی پرداخت کند.

قانونی برای ورود افراد متفرقه به کارگاه بدون اجازه کارفرما وجود دارد؟

بله. مطابق ماده ۱۰ آیین‌نامه حفاظتی کارگاه‌های ساختمانی، کارگاه ساختمان باید به طور مطمئن و ایمن محصور و از ورود افراد متفرقه و غیرمسئول به داخل آن جلوگیری به عمل آید. همچنین نصب تابلوها و علائم هشدار دهنده که در شب و روز قابل رؤیت باشد در اطراف کارگاه ساختمانی ضروری است. در صورت وقوع چنین اتفاقی کارفرما نیز مقصر خواهد بود و به صورت کلی کارفرما در محدوده کارگاه دارای مسئولیت قانونی است.

آیا می‌توان با استناد به فیلم ضبط شده، از شخصی شکایت کرد؟

خیر. مطابق ماده ۱۶۰ قانون مجازات اسلامی ادله اثبات جرم عبارت است از: اقرار، شهادت، قسامه و سوگند در موارد مقرر قانونی و علم قاضی، بنابراین فیلم ضبط شده یا صدای ضبط شده و سایر مواردی از این دست نمی‌تواند به عنوان تنها دلیل شاکی کافی باشد.

قانونی برای دروغ گفتن قبل از ازدواج وجود دارد؟

بله. چنانچه هر یک از زوجین قبل از عقد ازدواج، طرف خود را به امور واهی از قبیل داشتن تحصیلات عالی، داشتن وضعیت مالی خوب، موقعیت اجتماعی، شغل و سمت خاص، مجرد بودن و امثال آن فریب دهد و عقد بر مبنای هر یک از آنها واقع شود، مرتکب به حبس از شش ماه تا دو سال محکوم می‌شود.

در اختیار گذاشتن ماشین به افراد زیر ۱۸ سال جرم است؟

بله. اگر کسی از جمله خانواده ماشین و وسیله نقلیه خود را به اختیار افراد زیر ۱۸ سال بگذارد، از نظر قانون مرتکب جرم شده است و برای وی نیز جریمه در نظر گرفته می‌شود. اگر یک فرد ۱۸ ساله دچار تصادف و خسارت مالی و جانی شود، به دادگاه اطفال انتقال داده می‌شود و در مقابل این موضوع برای والدین وی که ماشین در اختیارش گذاشته‌اند هم مسئله‌ساز می‌شود و باید در محاکم قانونی پاسخگو باشند.

بخواد دادین و الان چون معاملات انجام شده خود املاکتون رو نمیتونیم برگردونیم اما پول‌هاش روان‌شاه‌الله تلاش خودمون رو می‌کنیم بپتون برگرد.

با کمک خانوم و کیل دادخواست دادیم که سازا خانوم «حساب ایام و کالت» رو بده. ساده‌شو بخوام بگم، یعنی اموالی که رفته فروخته رو پس بده. در واقع سازا فقط و کیل بوده و باید پول‌ها رو بده به موکل که من هستم، همیشه بخوره یه آب هم روش.

و کیلمون می‌گه از اونجایی که و کیل امین هستش، این پولارو که بالا کشیدید، جرم خیانت در امانت هم انجام داده. به جرم خیانت در امانت هم ازش شکایت کردیم...

اوایل که در جلسات حاضر نمی‌شد تا جلبش کردن، قاضی رو هم به سمت خودش می‌برد! البته خدا روشکر جناب قاضی متوجه لفاظی‌هاش شد و با توجه به مدارک و توضیحات ما، به نفع ما رأی داد و سازا محکوم شد...

من هم به خاطر زحماتی که کشید و محبتی که بینمون بود، ازش گذشتم. پول‌ها رو گرفتم و برای همیشه از خدا حافظی کردم...

\* کارآموز وکالت